این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

فلسفه شروع کارها با بسم‌الله الرحمن الرحیم

آیت‌الله جوادی آملی:
این که می گویند هر کاری می کنید، مستحب است بگویید بسم الله الرحمن الرحیم؛ این یک ادب زندگی است. البته ثواب دارد، ثواب لفظی دارد، ثواب عبادی دارد؛ آن سر جایش محفوظ است. اما این راه زندگی را به آدم نشان می‌دهد. انسان هر حرفی می‌زند، هر کاری می کند، چیزی را می‌خواهد بنویسد، چیزی را می‌خواهد بخواند؛ اول می گوید: بسم الله الرحمن الرحیم. این یک قرنطینه است، یک ایست بازرسی است؛ یک راه بسیار خوبی برای مراقبت است. اینکه دین به ما فرمود: هر کاری که می کنید، یک بسم‌الله بگویید؛ یعنی وقتی می خواهید حرفی بزنید، مطالعه‌ای بکنید، سخنی بگویید، چیزی بنویسید؛ باید طوری باشد که رویش بشود بگوید خدایا! این کار را می کنم برای رضای تو! این کار یا واجب است یا مستحب، چون اگر حرام یا مشکوک یا مکروه باشد که نمی‌شود گفت! این معنی مراقبت است.
منبع: کانال تلگرامی «آیت‌الله العظمی جوادی آملی (مدظله العالی)» به استناد درس خارج تفسیر قرآن کریم مورخ ۱۳۹۳/۷/۲

سیب زمینی کی وارد ایران شد؟

محمدهاشم نعمت‌اللهی توئیت کرد: سیب زمینی در دوران قاجار، توسط میرزا ملکم‌خان، وارد کشور شد. او سیب زمینی را برای اولین بار در فشند می کارد تا خاک ایران را برای کاشت ارزیابی کند، در نهایت سیب زمینی در پشند با کیفیتی ورای تصور به بار می‌نشیند. پشند یا فشند نام روستایی است در غرب البرز که در شمال هشتگرد واقع شده.

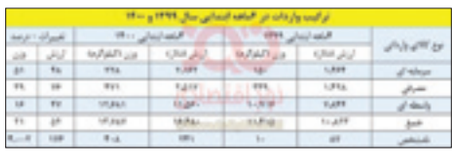

رشد ۴۰ درصدی واردات اقلام مصرفی!

صفحه توئیتری نود اقتصادی با انتشار جدول فوق نوشت: رشد ۴۰ درصدی واردات اقلام مصرفی در سال ۱۴۰۰. اگر دلار نداریم، چرا مصرف کالاهای مصرفی رشد ۴۰ درصدی داشته است؟

تولید ۲۶ میلیون متر چادر مشکی کلیدخورد

سعیده موسوی توئیت کرد: خیز بنیاد مستضعفان برای تولید ۲۶ میلیون متر چادر مشکی. فتاح گفته این کارخانه سالانه ۱۰ میلیون متر انواع چادر مشکی تولید می کند و در صورت تکمیل طرح توسعه‌ای، ظرفیت تولید چادر مشکی تا سقف ۱۶ میلیون متر قابل افزایش است! وقتی خودمون می‌تونیم چادرمشکی تولید کنیم چرا باید وارد کنیم؟

نه عجیب که شرم‌آور است!

امیرعلی ابوالفتح با اشاره به درگیری گروه موافق و مخالف واکسیناسیون در فرانسه توئیت کرد: این که گروهی موافق واکسیناسیون کرونا باشند و گروهی مخالف آن، عجیب نیست. اما این که عده‌ای با چوب و چماق به جان هم بیفتند؛ آن هم در کشوری مانند فرانسه با آن سنت‌های دموکراتیک، نه فقط عجیب است که شرم‌آور هم هست.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به پخش اعترافات شاخ مجازی

شاخ اینستا شکست!

دستگیری میلاد حاتمی از عوامل و مبلغان سایت‌های شرط‌بندی در اینستاگرام و پخش اعترافات او در بخش خبری ۲۰:۳۰ با واکنش‌های مختلفی در شبکه‌های اجتماعی همراه بود. کاربران از دستگیری او استقبال کردند و خواستار برخورد با سایر اجزای این باند ترویج فساد شدند. کاربران از آنجا که حاتمی خود را شاخ مجازی و صاحب استانبول می‌خواند، دستگیری او را به شکستن شاخ مجازی تعبیر کردند. همچنین برخی از کاربران خواستند در کنار دستگیری عوامل فساد شبکه‌های اجتماعی به عناصر فسادهای مالی چون خاوری که سال‌هاست از ایران فرار کرده‌اند نیز رسیدگی شود. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران مرور شده است.

■ **مرتضی قمری‌وفا:**
اعترافات تکان‌دهنده میلاد حاتمی از پشت پرده شبکه قمار؛ شاخی که شکست! از ندا یاسی تا تتلو و پیام صادقیان... شبکه هرمی قماربازان درهم ریخت!

■ **حسین هرندی:**
مفسد اگر در ثریا باشد مردانی از اطلاعات سپاه به آن دست پیدا می کنند. #میلاد_حاتمی

■ **م.ح. محققی:**
حالا هی لپ‌تاپ تو بکوب زمین! میلاد حاتمی! فقط اون جا که گفت خانوما با لباس باز غیرت شوهرا و برادراشون رو به اسم چالش بسنجن و فیلمشونو بگیرن بدجور عصبی شدم. دستت درد نکنه آقای اطلاعات سپاه.

■ **محمد شیروانی:**
لاتِ هر کوچه خلوتی هم که باشی باز باید بیایی پایِ تخته «سازمان اطلاعات» عین بلبل جواب پس بدی!

■ **امید رامین‌فرد:**
یکیشون صاحب استانبول بود (میلاد حاتمی)، یکی هم رئیس صدا و سیمای بعد از براندازی (روح‌الله زم)! ولی عاقبت هر دو مثل بچه‌های خوب اومدن پاتخته. هر کس به مملکت خودش پشت کرد و به مردمش خیانت، عاقبتی جز این دو نخواهد داشت، من موندم مسیح علی‌نژاد هم بلده پا تخته بمونه یا نه؟

■ **فاطمه فردوس:**
اون جایی که میلاد حاتمی گفت نیروهای سپاه یه چیزایی از خودم برام تعریف کردن که احساس کردم یکی هر لحظه مثل سایه باهام بوده شمام یاد گاندو افتادید؟ کی بشه این خاوری رو برگردونن.

■ **مصطفی قاسمیان:**
بعد از چند سال کلاهبرداری سایت‌های شرط‌بندی، بخش خبری ۲۰:۳۰ یک گزارش مفصل و پر از اسم درباره آن پخش کرد؛ با محوریت اعتراف‌های میلاد حاتمی. هرچند بسیار دیر، اما شروع خوبی بود.

■ **لیا آبنوس:**
گزارش صاحب استانبول «میلاد حاتمی» رو دیدین؟ همین سرشاخه‌های قمار رو دستگیر کنن نصف اینستاگرام پاکسازی میشه بقیه‌ام حساب کار دستشون میاد.

■ **بهمن بابازاده:**
ترکیه برای صاحبان سایت‌های شرط‌بندی ناامن شده و به اسپانیا و فرانسه کوچ کرده‌اند. میلاد حاتمی به ایران تحویل داده شد. مهراد جم جمع کرده و فرار کرده لندن. بقیه خواننده‌ها و بازیگران فریب‌خورده هم از اینجا رانده و از آنجا مانده. سرابِ مهاجرت و میلیاردر شدن...

■ **سلمان دلاوری:**
میلاد حاتمی صاحب استانبول همون که دخترای ۱۶ ساله رو توی لایو اینستاگرامش تشویق می کرد از ابزار جنسی استفاده کنن جلوی فالوورها! شاید باورتون نشه ولی بعد از دستگیریش تو مجازی می‌نوشتن که ایران جوونای مارو می کشه، آزادش کنید. کاش بعضیا یاد بگیرن به‌خاطر اهدافشون از هر آدم آشغالی بالا نرن!

جنگ احد رسانه‌ای و تکلیف دولت رئیسی

محمد رستم‌پور در کانال تلگرامی خود از لزوم توجه دولت سیزدهم به پیوست رسانه‌ای امور نوشت. چکیده‌ای از یادداشت او در ادامه آمده است: خلاف آنچه رایج شده، دولت‌های یازدهم و دوازدهم از حیث رسانه‌ای، تبحر و مهارتی مثال‌زدنی داشتند و از انفعال و کم‌کاری و تفرعن و ویژه‌خواری، تصویر تسلط، فرزانگی، بزرگ‌منشی و قهرمانی ساختند. به‌صورت مشخص می‌توان به برجام به‌عنوان برنامه محوری اداره کشور اشاره کرد که از یک سند پراشکال حقوقی و تفسیرپذیر اتکاءناپذیر که نه وضعیت اقتصادی را بهبود بخشید و نه عزت را به پاسپورت بازگرداند، چگونه آفتاب تابان و مانع جنگ و قحطی ساختند. اما در روزهایی که از دولت رئیسی گذشته است، در حوزه رسانه‌ای همچنان با مجموعه‌ای از اشتباهات، کج‌سلیقگی‌ها و غفلت‌ها روبه‌روییم. گویی در همچنان بر همان پاشنه می‌چرخد و رسانه، اضافی، زائد و غیرتخصصی دیده می‌شود. دولت رئیسی با بحران‌ها و معضلات متعدد سیاسی و اقتصادی پرشماری روبه‌روست اما پیش از همه باید به دنبال ساخت یک برنامه جامع رسانه‌ای باشد تا بداند چگونه انتخاب‌هایش را تبیین و اولویت‌هایش را تشریح کند. در دولت روحانی، این مهم مبتنی بر دو عنصر «غریزه سیاستمداران» و «پروژه ذی‌نفعان» پیش می‌رفت. برای اولی کافی است به کنش محمدجواد آذری جهرمی و محمدجواد ظریف در شبکه‌های اجتماعی توجه کنیم که چگونه خود را از تیررس منتقدان نجات دادند و نیازها و اولویت‌هایی مانند «توسعه زیرساخت» در مورد وزارت ارتباطات و «تماس با جهان» در مورد وزارت خارجه را برای شهروندان ایرانی حیاتی کردند. و در مورد دومی کافی است به انبوه حرکت‌های توئیتری مانند «انسولین نیست» و «روحانی تنها نیست» که کوشش داشتند معادلات ساده ضعف در تصمیم‌گیری و اجرا را به عوامل دیگری همچون دولت پنهان نسبت دهند، توجه کنیم. دولت رئیسی امانه اولی را دارد و نه دومی را. اولی را بلد نیست و دومی را قبول ندارد. از این روست که انتخاب وزرا و مدیرانش در عین هوشمندی تمسخر می‌شود یا برجسته نمی‌شود. دولت رئیسی رسانه را در حکم یک پیوست هم قبول ندارد و گمان می‌برد رسانه کار مهره‌های درجه ۳ و ۴ است و حل مسائل واقعی‌تر از بازنمایی آنهاست. اینجاست که اقدامات ارزشمندی مانند بازدید سرزده‌ها یا مشورت با کارشناسان یا حتی کاهش قیمت سیمان، آنچنان که باید در جامعه دیده نمی‌شود. رئیسی دو موجودی بیشتر ندارد: اخلاص و اعتماد مردمی. هر دوی این دو موجودی، از جمله دارایی‌های نرم به شمار می‌آیند که کمیت‌پذیر نیستند و قابل انکار و فرسایشند. از این روست که او در کنار برنامه تحول دولت و اولویت‌دهی به چالش‌هایی مانند کرونا و معیشت، باید به فکر ارتقای اعتماد عمومی، تاب‌آوری ملّی و سرمایه اجتماعی باشد. چیزی که در دیدار رهبر معظم انقلاب در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری نیز برجسته شد: «امروز بیشترین تحرّک دشمنان ما علیه ما بیش از تحرّکات امنیّتی و اقتصادی، تحرّکات تبلیغاتی و جنگ نرم و تبلیغات رسانه‌ای است؛ برای اینکه بر افکار عمومی مردم مسلّط شوند مبالغ هنگفت هزینه می‌کنند، کارهای بسیار انجام می‌دهند؛ فکرهای بسیاری را در مجموعه‌های فکری برای این کار استخدام می‌کنند تا بتوانند با جنگ روانی، با تبلیغات گوناگون، افکار عمومی کشورها را- از جمله بیشتر از همه امروز کشور ما را که هدف سوءنیّت قدرت‌های بزرگ است- قبضه کنند و در اختیار بگیرند. وقتی افکار عمومی یک ملّت در اختیار بیگانه قرار گرفت، حرکت آن ملّت هم طبعاً طبق میل آن بیگانه پیش خواهد رفت.»

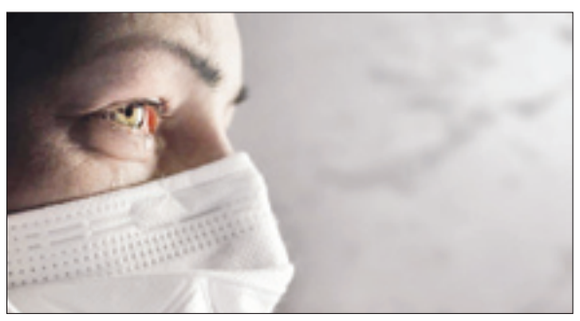

ترک کرونا بر دیوار ۳ اصل محوری سرمایه‌داری

سیدحسین موسوی در یادداشتی نوشت: اکسل هونت، فیلسوف شهیر آلمانی و یکی از بزرگ‌ترین و اخلاقی‌ترین فیلسوفان سیاسی قرن ۲۱، که پس از هابرماس، سنت نظریه انتقادی را سزاوارانه ادامه می‌دهد، اخیراً و در مقاله‌ای از درس‌های کووید ۱۹ نوشته است. به نظر او، کرونا موجب شد تا سه اصل محوری سرمایه‌داری ترک بردارد و سه ایده اساسی اخلاقی و برابری‌خواهانه، دوباره به جامعه در مخاطره، بازگردد. او این ایده‌ها را این گونه شرح می‌دهد.

درس اول کرونا: مشاغلی بودند که در عصر سرمایه‌داری متأخر به رسمیت شناخته نمی‌شدند. سلسله مراتب ارزش‌گذاری مشاغل اجتماعی، عملاً منجر به حذف و طرد عده بسیاری شده بود که برای حفظ انسجام اجتماعی ما ضروری‌اند. پرستاران، مسئولان جمع‌آوری زباله، رانندگان اتوبوس و مترو، آتش‌نشان‌ها و همه کسانی که به‌رغم نزدیکی و گستاخی مرگ، اما مقاومت کرده و حیات اجتماعی را تداوم بخشیدند. از ایران تا بسیاری کشورها، مردم ایستادند و برای دارندگان این مشاغل کف زدند و از خود گذشتگی آنها را پاس داشتند. اعتبار اجتماعی این مشاغل دوباره احیا شد و آنها احساس دیده شدن و مهم بودن، کردند.

درس دوم کرونا: ایده پوشالی آزادی فردی ترک برداشت. مردم آموختند که پیش و بیش از فردیت، آنها عضوی از یک جامعه بزرگ‌ترند و حفظ سلامتی و خوشبختی دیگران، اهمیت اخلاقی بسیاری دارد. ماسک زدن به‌عنوان کنشی جمعی آموخت که منفعت فردی و نفع شخصی، بی‌شک با شکلی از خیر عمومی درهم تنیده است و زندگی خوب، جز از طریق حفظ یک جامعه بزرگ‌تر که محدود و محصور به خانه‌های شخصی ما نیست، ممکن نمی‌شود. فاصله‌گذاری فیزیکی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی، نشان داد که همه ما آدم‌ها در یک باهمستان زندگی می‌کنیم و سرنوشت ما به یکدیگر گره خورده است. درس سوم کرونا: مالکیت خصوصی بار دیگر به پرسش گرفته شد. موجی از تقاضاهای اجتماعی برای مداخله رفاهی دولت در حمایت از آسیب‌پذیرترین‌ها به راه افتاد. در همین ایران گفته شد که صاحب‌خانه‌ها نمی‌توانند مستأجران را تا پایان کرونا بیرون کنند. شرکت‌های دارویی در سراسر جهان ملزم شدند تا واکسن کرونا را به‌صورت رایگان یا با هزینه‌ای بسیار اندک تزریق کنند و صاحبان بزرگ مجموعه‌های فروشگاهی و... واداشته شدند که اجاره‌ها را کاهش دهند و توصیه شد که از کسب‌وکارهای خرد و کوچک حمایت فوری و عاجل به عمل آید. هونت می‌گوید کووید ۱۹ باعث شد ما دوباره به ایده‌های اخلاقی و عدالت‌خواهانه بازگردیم. باعث شد سلسله مراتب اجتماعی را به پرسش گیریم، آزادی در معنای منفعت شخصی و بی‌توجه به دیگری را نقد کنیم و مالکیت خصوصی را در پرتو خدمت به منافع جمعی درآوریم. او می‌گوید این درس‌ها، محورهای اساسی زیست جمعی ما در جامعه‌ای انسانی‌ترند. باید این ایده‌ها را تداوم دهیم و از آن قدمی عقب نگذاریم. از دیگر سو، هونت به نحو مشخصی بر ضرورت کارکردهای رفاهی دولت انگشت می‌گذارد و شاید دعوت می‌کند که ما هم از ظرفیت‌های دولت‌های‌مان- فارغ از نقدهای مرسوم سیاسی و هویت‌اندیشی و...- در جهت ایجاد حمایت عمومی، استفاده کنیم. هونت، فیلسوف روشنفکری است که تعلق خاطرش به زندگی واقعی محروم‌ترین‌ها- آنهایی که دیده نشده‌اند و رها شده‌اند- را فراموش نکرده و به همین خاطر هم هست که راه‌حل‌های مشخصی برای رهایی از مخمصه دارد. در عرصه عمومی مداخله می‌کند و ابایی از آن ندارد که دولت را برای مسئولیت‌هایی اجتماعی که فراموش کرده، صدا بزند. مدل روشنفکری هونت، نفی و کناره‌گیری نیست، بلکه تلاش برای ایجاد شکاف ایجابی در وضعیت، به نفع خیر همگانی است.

بیچاره مردمی که انتظار آرامش از امریکا داشتند

محمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در کانال تلگرامی خود به مناسبت سالروز ۱۱ سپتامبر نوشت: مهم‌ترین درس ۲۰ سال گذشته این بود که دنیا دیگر بر اساس اراده یک یا چند دولت بزرگ اداره نمی‌شود و دنیا کدخدا ندارد. ۲۰ سال پیش در وقت انفجار برج‌های دوقلوی نیویورک من با حمدان بن زاید وزیر خارجه امارات عربی متحده در ابوظبی در دفترش نشسته بودم و مشغول گفت‌وگوی کاری. از بیرون یکی پرید توی اتاق که تلویزیون را روشن کنید. از آن روز ۲۰ سال می‌گذرد. از روزی که دنیا تغییر پیدا کرد و نتیجه ملموسش کشتار و تخریب خیلی از نقاط دنیای اسلام شد. اسلام در افکار عمومی دین خشونت معرفی شد و گروه‌های خشن و افراطی سخنگویان به ناحق دین اسلام شدند. لعنت و نفرین بر کسانی که آن انفجار تلخ را انجام دادند. همچنان لعنت و نفرین بر کسانی که خشونت را با موج خشونت جواب دادند و دنیا را به سمت کشتار و فقر و نابودی بردند. در رأس آنها دولت مغرور امریکا بود. درست در ۲۰ سال پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر همان طالبان که میزبان القاعده و اسامه بن‌لادن بودند، رسماً بر صندلی‌های قصر ریاست جمهوری افغانستان تکیه زدند و بر مردم مظلوم افغانستان همان می‌کنند که ۲۰ سال پیش می‌کردند. بیچاره مردمی که انتظار آرامش از امریکا داشتند.

کشتار عکا؛ قتل‌عامی دیگر از انگلیسی‌ها!

صفحه توئیتری «راوی» در رشته توئیتی نوشت: پس از تصرف عکا توسط ریچارد و بازگشت فیلیپ به اروپا، ریچارد تنها رهبر نیروهای صلیبی شد. او پس از متبرک کردن کلیساهای عکا، اختلافات موجود بر سر پادشاهی اورشلیم بین کنراد و گی‌لوزینیان را به نفع گی حل کرد و مشغول مذاکره با صلاح‌الدین شد. از طرف دیگر صلاح‌الدین زندانیان و اسرای صلیبی را جمع کرد و در نامه‌ای به ریچارد، خواهان آزادی اسرای مسلمان در عکا در مقابل اسرا مسیحی شد. دوم آگوست ۱۱۹۱، شاه انگلستان موافقت کرد اسرای مسلمان را در ازای دریافت پول در سه قسط آزاد کند و قرار شد با دریافت اولین قسط، مسلمانان آزاد شوند. در ۱۱ آگوست نخستین قسط پول همراه یک دسته از زندانیان مسیحی به سمت عکا فرستاده شد اما ریچارد خواهان آزادی اسرای عالی‌رتبه مسیحی شد و اعلام کرد تا زمانی آنها آزاد نشوند، سربازان اسیر شده در عکا را آزاد نخواهد کرد! صلاح‌الدین پیشنهاد کرد به جای پرداخت غرامت و پول، بزرگان اسیر شده مسیحی را آزاد کند یا فقط پرداخت پول را قبول کنند و بزرگان مسیحی نزد او بمانند تا ضامن سلامتی و آزادی سربازانش باشد. ولی فرستادگان ریچارد با هر دو درخواست و پیشنهاد صلاح‌الدین مخالفت کردند و به سمت عکا بازگشتند. در این زمان، ریچارد که درصدد ترک عکا به سمت اورشلیم بود و اسرای مسلمان را مانع حرکت می‌دید، در ۲۰ آگوست اعلام کرد صلاح‌الدین به عهد صلح پایبند نبوده و دستور قتل ۲۷۰۰ نفر از اسرای مسلمان در عکا را صادر کرد. در روز ۲۰ آگوست کشتار آغاز شد و طبق گفته منابع، علاوه بر نیروهای اسیر شده، زنان و کودکان نیز در کنار آنها به قتل رسیدند و تنها تعدادی که تحمل بردگی را داشتند، بخشیده شدند!

عکس برگزیده عکاسی پرندگان سال به همت دیوار مرزی ترامپ!

کانال تلگرامی «حواست پرت» خبر داد: عکس کوکوی پرنده که توسط دیوار مرزی ترامپ متوقف شده برنده عکاس پرندگان سال شده. کوکوی پرنده (Road runner) یا همون میگ‌میگ خودمون عاشق دویدن هست و سرعتش تا ۳۰ کیلومتر بر ساعت هم می‌رسه. این پرنده بومی شمال و مرکز قاره‌ی امریکاست. دیواری که می‌بینید در مرز امریکا و مکزیک کشیده شده و از طیف وسیعی از زیستگاه‌ها عبور می‌کنه چطوری رفتار گونه‌های کوچ‌نشین محلی رو مختل کرده؛ انسان همیشه خودخواه.

رویکرد منطقه‌گرایانه در سیاست خارجی دولت جدید

سعید آجرلو در کانال تلگرامی خود نوشت: بر خلاف سیاست خارجی دولت روحانی که بین‌الملل‌گرا بود و روابط منطقه‌ای را در حاشیه و فرع روابط با غرب و ایالات‌متحده می‌نگریست، دولت جدید با رویکردی منطقه‌گرایانه دیپلماسی را پیش می‌برد. ورود الکاظمی به ایران بخشی از نقشه بازسازی روابط ایران و سعودی است که می‌تواند به افزایش اعتماد کشورهای منطقه به یکدیگر بینجامد. اگر منطقه‌گرایی به آرامش خاورمیانه و ثبات در این منطقه منجر شود، نگاه ایران به مذاکرات احیای برجام نسبت به دوره قبل اصلاح می‌شود و این مذاکرات مقابل روابط منطقه‌ای قرار نمی‌گیرد.

آیا کانت به اسلام اعتراف کرده بود؟!

آنچه در ادامه می‌خوانید بخشی از سخنرانی دکتر فتحی المسکینی فیلسوف و متفکر تونسی در خصوص «کانت و اسلام» است که به بهانه تحلیل آمدن لفظ «بسم الله الرحمن الرحیم» در آغاز رساله دکتری کانت ایراد شده است. بخشی از صحبت‌های دکتر المسکینی با ترجمه محمود عبداللهی از نظر می‌گذرد: در سال ۲۰۰۴ در ابتدای رساله دکتری کانت که در سال ۱۷۵۵ نوشته، جمله «بسم الله الرحمن الرحیم» رو پیدا کردند که به خط عربی دستنویس شده بود. در رسانه‌های آلمان مناقشه‌ای را دیدم که شخصی، از اسلام می‌گفت و به مسئله بزرگی پرداخت که همان نبود فضای گفت‌وگو با حرکت‌های اسلامی بود. او گفت که شایسته است برای گفت‌وگو با مسلمانان ایدئولوژی را کنار بگذاریم و او به یک‌بار مطرح کرد که کانت در رساله دکترایش با خط عربی و به دست خودش بسم‌الله را نگاشته است؛ او می‌خواست با گفتن این نکته اشاره به مدارایش کند.

نویسنده‌ای آلمانی در همان رسانه جوابش را می‌دهد و سؤالی مطرح می‌کند با این عنوان که جناب کانت آیا اسلام منسوب به آلمان است؟ همان‌طور که نوشته‌ای! داستان چیست؟ طبیعتاً اگر این عبارت را گوته می‌نوشت عادی بود زیرا این شاعر آلمانی عربی می‌دانست و پیگیر بود تا قرآن و بعضی معلقات (اشعار) را به لاتین نیز ترجمه کند و تلاش می‌کرد هم زمان آنها را به آلمانی هم بسراید. در مقایسه می‌دانیم که کانت حریص و سرسنگین و دقیق است (همان کسی است که برای خواستگاری از یک زن، چهار سال فکر کرد تا اینکه فهمید شوهر دارد)؛ پس آیا چنین آدمی در رساله دکترایش عبارت بسم‌الله را نوشته یا اینکه کس دیگری نوشته است؟ از طرفی، فارغ از نویسنده‌اش می‌توان فهمید که آن زمان عربی زبانی اضافی بود و آن نسل یادگیری یونانی را دوست داشت و کلماتی مثل لوگوس و... استعمال می‌شد، پس چرا باید یک نفر عربی بنویسد؟

اما جوانان مسلمان آلمانی و اعراب آن جا در شبکه‌های اجتماعی با رد سخنان این شخص نوشتند که بیایید قبول کنید که فیلسوف شما به ما و دین ما اعتراف کرده است. به ذهنم متبادر می‌شود که اجداد ما در عصر نهضت از خودشان با جدیت پرسیدند که چرا غرب پیشرفت کرد و ما عقب افتادیم؟ اما در اواخر قرن بیستم کسانی پیدا شدند که سؤالی دیگر مطرح کردند: «چرا شما غیرمسلمانان نمی‌پذیرید که ما برترین مردمانیم؟ و طبیعتاً بدون اینکه کاری کرده باشیم بهترین مردمان شده‌ایم؟»